

خواهران گریم

«کتاب نهم»

شورای آینده‌ها

* جوی بیانی (نایاب) لامعاً از طیعت

* راهکار راهکاره مانندیها

* بیانی ایمه آینده

* شایانیه شبهه

نویسنده: مایکل باکلی

* مترجم: زهرا حبیبی

* نامه مناظره و پیغام رفع احتجاج

* ۰۷۷۷۷۰۷۷۷۰۰۳۸۴۹

* ۰۷۷۷۷۰۷۷۷۰۰۳۸۴۹

www.sazgavestanipar.com

روزی روزگاری، در کنار رودخانه‌ای، شهری آرام به نام فریپورت لندینگ وجود داشت. این شهر در کرانه‌ی رود هادسون، در شمال ایالت نیویورک بود؛ جایی با کوه‌ها و دره‌ها، و نهرهایی که به آن رود عظیم، و پس از آن به دریا می‌ریختند. مرکز شهر پر بود از فروشگاه‌های کوچک و عجیب، با درختانی که نمایش را خال‌حالی کرده بودند. شهر وندانش در طول خیابان‌های سنگ‌فرش و در میان باغ‌های عمومی با دوچرخه عبور می‌کردند. کیک‌های سیب روی لبه‌ی پنجره‌ها سرد می‌شد، و عده‌ی کمی شب‌ها در منازلشان را قفل می‌کردند. آدم شک می‌کرد که نکند فریپورت لندینگ از یک کتاب داستان بیرون پریده باشد.

اما این‌ها به گذشته‌های دور بازمی‌گشت.

اکنون شهر مرده بود، آن هم نه مرگی گند، مانند بسیاری از نقاط کوچک روی نقشه که با بسته شدن آسیاب یا کارخانه‌ی فولاد زنگ می‌زنند و نابود می‌شوند. نه، فریپورت لندینگ کشته شد. شهر وندانش آن را تکه‌پاره کردند. آن‌ها ویترین مغازه‌ها را خرد کردند و اجناس را به تاراج برداشتند. تل عظیمی از زباله در خیابان‌هایش ریختند. آتشی افروختند که شعله‌های حریصش هنوز